



ان‌شاءالله بعد از رسیدن ناوگروه هم بهتر خواهیم دید. در حوزه پایش، همه عزیزانی که اعزام شدند تک به تک به صورت بسیار دقیق در دو مرحله پایش شدند و هیأت رئیسه تأکید کرده بودند عزیزانی که مشکل دار هستند به هیچ وجه حضور نداشته باشند.

حتی من شاهد هستم که عزیزی داشتیم که موتوربست یکی از این ناوها بود و بسیار هم علاقه‌مند بود که در این مأموریت باشد؛ ولی به دلیل مشکلاتی که در سابقه پزشکی اش داشت صلاح نبود در این سفر باشد و به جای او افراد سالم‌تر جایگزین کردیم.

تخصیص ۱۰۰ متر فضای درمانی و بهداشتی برای ناوگروه

در حوزه درمان هم این قضیه مسلماً نمود بیشتری داشت؛ چون برای اولین بار ما می‌خواستیم سفری طولانی داشته باشیم که بدون نیاز به پهلوگیری و بدون نیاز به کشورهای منطقه بتوانیم به صورت خودکفا کارهای خودمان را بکنیم. طبق صحبت‌هایی که با هیأت رئیسه محترم داشتیم و بازدیدهای متعددی که انجام دادیم، بالاخره یک فضای حدوداً ۱۰۰ متری در اختیار ما گذاشته شد. اولین فضا حدود ۴۰ متر بود که با عنایت هیأت رئیسه محترم و شخص امیرفرماندهی یک فضای دیگری اضافه کردیم، چون اهمیت موضوع بسیار زیاد بود، حدود ۱۰۰ متر فضا به بهداشت و درمان اختصاص دادند که در این فضا ما همه تجهیزات لازم برای یک بیمارستان ناو را در نظر گرفتیم. تجهیزاتی اعم از آزمایشگاه، رادیولوژی، اتاق عمل، تخت ویژه آی سی یو، اورژانس، داروخانه، دندانپزشکی و همه اینها را در این مأموریت به صورت ویژه دیدیم که عزیزان بتوانند به مأموریت اعزام شوند. به همراه یک تیم تخصصی ۱۴ نفره که در انواع تخصص‌ها این عزیزان حضور دارند از پزشک عمومی، پزشک جراح، بیهوشی، دندانپزشک، بچه‌های بهداشتی، روانشناس، پرستار و انواع تخصص‌ها را پیش‌بینی کردیم و در این تیم عازم این مأموریت شدند.

آیا در طول مأموریت مشکلی پیش آمد که روند درمانی اش انجام شود؟

بله، مسلماً آدمی در حالت عادی هم مشکلات بیماری و مسائل مرضی سراغش می‌آید چه برسد به اینکه فرسخ‌ها دور و در دریا جایی محدود و دور از خانواده باشی و فکر و خیال هم از یک طرف. همه اینها مشکلاتی را به وجود می‌آورد و شاید حتی بیشتر هم می‌کند.

ارتباط با تیم پزشکی ناوگروه از طریق تله‌مدیسین

مراجعات متعددی در این مدت داشتیم و هر

حوزه‌های ما چند بُعد داشت؛ یکی بعد سلامت کارکنان بود و باید پایش کنیم و شایسته‌ترین و سالم‌ترین همکارانمان در این مأموریت شرکت کنند. بُعد بعدی بُعد درمانی این عزیزان بود تا تمهیدات و تجهیزاتی داشته باشیم که این عزیزان اگر خدایی ناکرده دچار مشکل شدند کمک‌شان کنیم. مورد بعدی هم مسائل بهداشتی عزیزان بود. چه از بابت تغذیه و چه از بابت بحث‌های روحی و روان کارگروه‌هایی تشکیل دادیم و مسائل را بررسی کردیم. این کار کارشناسی منجر به این شد که بتوانیم این سفر را با موفقیت به پایان برسانیم



روز هم با ناوگروه ارتباط داشتیم. با تیم پزشکی، اوایل که ناوگروه اعزام شده بود ارتباطمان کاملاً به صورت تله‌مدیسین بود. ارتباط راحتی داشتیم ولی بعداً به دلیل محدودیت‌هایی که در بحث اینترنت و فاصله پیش آمد، ارتباطمان بیشتر از طریق تلفن امن ماهواره‌ای بود که از طریق معاونت عملیات انجام می‌شد.

نجات یک بیمار قلبی در بیمارستان مستقر در ناوگروه

در این مدت همان اوایل سفر یک مشکلی پیش آمد که یکی از عزیزان ما که افسر جوانی هم بود بدون هیچ‌گونه سابقه قلبی از بیماری، دچار یک مشکل قلبی شد. بیماری خاصی به نام ولف پارکینسون وایت بسیار نادر داشت که به یک دفعه قلب یک نفر شروع به ضربان قلب بسیار شدید می‌کند. این عزیز نزدیک سواحل هندوستان این مشکل را پیدا کرد و بلافاصله تیم پزشکی ما وارد عمل شد و از آنجا با ما ارتباط تله‌مدیسینی داشتند. پزشکان فوق تخصص قلب ما در بیمارستان گلستان پشت سیستم

آمدند و راهنمایی کردند و این عزیز ما نجات یافت. من شاهد بودم که ضربان قلب این فرد به ۲۵۰ ضربان در دقیقه رسیده بود؛ یعنی اگر مدت کوتاهی این ادامه پیدا می‌کرد قلب قطعاً از کار می‌افتاد. فکر کنید اول سفر هم بود و همه عزیزان چه روحیه بدی پیدا می‌کردند و آنجا بچه‌های ما این نفر را نجات دادند و با یک روش بسیار خطرناک و تخصصی مرضی را که هوشیار است شوک دادند. این یک روش علمی است. البته که مریض را می‌برند در اتاق عمل و در یک جای تخصصی و مجهز انجام می‌دهند ولی با توجه به راهنمایی‌هایی که شد، مریض را شوک دادند و قلب آرام شد و به حالت عادی برگشت و ایشان بعداً سر فرصت از گروه جدا شد و از هندوستان به ایران برگشتند و در ایران درمان تکمیلی انجام شد و الان هم سر خدمت است. موارد دیگری هم داشتیم. جراحی‌های سرپایی، مشکلات بیماری مختلفی که بالاخره حل و فصل می‌شد. یک مورد دیگری نابینایی چشم داشتیم. متأسفانه تقریباً در سواحل شیلی نزدیک امریکای جنوبی بود که یک همکارمان یک دفعه با سردرد شدید و سرگیجه مراجعه می‌کند و بستری می‌شود و روز بعدش احساس می‌کند که دو چشمش را از دست داده و تار می‌بیند. بچه‌ها دوباره وارد عمل می‌شوند و با کورتون درمانی موفق شدند یک چشمش را کاملاً برگردانند و یک چشمش همچنان مشکل داشت که ایشان را هم در شیلی با مشکلات فراوان و زحماتی که هیأت رئیسه و عزیزان در معاونت اطلاعات کشیدند، توانستیم جابجا کنیم و به ایران برگردانیم تا ادامه درمانش را در ایران پی بگیریم. ایشان هم یک بیماری عصبی داشته و مثل ام‌اس و... که همانجا اولین بار بروز پیدا کرده بود.

انجام عمل آپاندیس توسط تیم پزشکی ناوگروه

به جز این هم شاهدکار بچه‌های ما دو عمل جراحی بود که در سواحل امریکای جنوبی به دور از هرگونه نیازمندی به ساحل توانستند انجام دهند. یک عمل آپاندیس روی یکی از عزیزان بود که الان هم در مأموریت است و هیچ مشکلی ندارد. یک عمل شکستگی استخوان بینی بود که تروما ضربه خورده و شکسته بود و همان‌جا عملش کردند و شکستگی بینی را اصلاح کرده و بیماری‌ها و درمان‌های دیگر، آسیب‌دیدگی‌هایی که بچه‌های موتورخانه مانند سوختگی داشتند. همه اینها را آنجا خودشان جمع و جور و درمان کردند.

اساساً یک سفر دریایی با این مدت زمان با توجه به اینکه شما پزشک هم هستید چه عوارضی می‌تواند برای یک فرد داشته باشد؟